

رئیس محترم مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما

پیرو مذاکره حضوری مورخ ۱۳۹۰/۲/۲۵ با حضرت‌عالی، درباره پروژه تحقیقاتی چگونگی ارتقاء پایگاه اینترنتی مرکز، پس از مشورت با بعضی دوستان و چند روز اندیشه در ملاحظه جوانب امر و بررسی توانایی خویش در انجام این وظیفه خطیر، همان‌گونه که وعده کردم، نتیجه را ذیلاً معروض می‌دارم.

آن‌گونه که شما مسیر کار را ترسیم فرمودید، از ضرورت پژوهشی نظام‌مند و مبتنی بر الگوهای علمی قابل دفاع و متقن، بر اساس روش‌های پیمایشی، مصاحبه‌ای، میدانی و امثال ذلک، چون بنده تجربه‌ای عملی در این زمینه‌ها نداشتم با یکی از دوستان که کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی است مشورت کردم. مدتی درباره الگوهای موجود سخن گفتیم، از روش‌های مصاحبه، پیمایش، پرسش‌نامه، تحلیل آماری و مانند آن. اما راهکاری که بتوان پس از انجام این‌گونه تحقیقات به یک پاسخ روشن برای طراحی یا ارتقاء یک سایت اینترنتی رسید، با اتکا به مدل‌های مرسوم نیافتیم. البته تخصص اصلی شما در همین زمینه‌هاست و طبیعتاً آگاه‌تر از بنده نسبت به موضوع می‌باشید، ولی به نظرم رسید آن‌چه در نهایت از اجرای این پژوهش به دست می‌آید، از مخاطب‌شناسی و نظرسنجی و مصاحبه با کارشناسان و دیدن سایت‌های مشابه و تحلیل رسانه و امکان‌سنجی و بضاعت‌یابی مرکز و بررسی محتوای تولیدی و در نهایت تحلیل تمام نتایج حاصله برای رسیدن به یک نتیجه نهایی، چیزی نیست که الگوی یک سایت اینترنتی را با حجیتی «علمی» و «مذهبی» در اختیار بگذارد. البته شاید این امر ثبوتاً ممکن باشد، اما «بنده» به راه‌حلی علمی به نحو اثباتی دست نیافتم.

حقیقت این‌که بایستی صادقانه مطلبی را عرض نمایم. اگر چه لطف خداوند در جاری نمودن نام حقیر بر زبان دوستان را چیزی جز نعمت بی‌کران حضرت دوست نمی‌بینم، اما امتحانی می‌تواند باشد که مبدا حریم‌ها را بشکنم و از حدود توانایی خویش تجاوز نموده و تدلیس نمایم. حقیقت این است که بنده تا کنون تجربه هیچ تحقیقات پیمایشی یا میدانی نداشته‌ام و حداکثر در همان حوزه فعالیت خود در حد تحقیق کتابخانه‌ای گاهی تلاشی نموده که توفیق یا عدم آن نیز مشکوک است. لذا این‌که رهبری گروهی را برعهده گیرم، به هدف انجام پروژه‌ای که در آن بی‌تخصصم، توجهی ندارد. شما نیز اگر تمام نوشته‌های بنده را که در سایت شخصی موجود است ملاحظه فرمایید، گمان نمی‌رود حتی یک مورد بیابید که به روشی علمی عمل شده و در محیط‌های دانشگاهی قابل دفاع باشد.

در ۲۳ سالگی، «راهی که باید رفت» را اگر نوشتم، به روش‌های مرسوم علمی نرفتم و دانش آن را هم چه بسا به اندازه نداشتم، شاید در توهم نوجوانی بودم و گمان بر این‌که به مدد اندکی تجربه می‌توانم. اکنون اما به اقتضای سن محافظه‌کارتر شده، نمی‌توانم کاری را بپذیرم که می‌دانم تخصص کافی در آن ندارم. رهبری یک پروژه تحقیقاتی کلاسیک، تسلط به «زبان علمی» می‌خواهد و این خارج از عهده کسی است که سر کلاس درس هیچ دانشگاهی جز فقه امام صادق (ع) ننشسته است. این مطلب را از آن رو عرض می‌کنم تا مصداق این کلام مبارک رسول خدا (ص) نگردم: «مَنْ تَقَدَّمَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَهُوَ يَرَى أَنَّ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ، فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْمُسْلِمِينَ» (الغدیر، ج ۸، ص ۲۹۱). مادامی‌که کسانی در حوزه قم هستند توانا‌تر و دین‌دارتر، چونان این چهار نفر:

- حجة الاسلام دکتر محمدحسین بهرامی - سال‌ها مدیر سایت حوزه.نت - ۰۹۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
- دکتر داوود فرجیان - مدیر سابق فن‌آوری اطلاعات مرکز مدیریت حوزه - ۰۹۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
- دکتر بهروز مینایی - تخصص داده‌کاوی از آمریکا (طلبه) - ۰۲۵۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
- دکتر مهدی رضایی - تجربه پروژه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی - (شماره تماس ایشان را دکتر فرجیان دارند)

چگونه می‌توانم در پذیرفتن این کار پیش‌قدم شوم؟! افراد فوق‌الذکر از متخصصان فن‌آوری اطلاعات در شهر مقدس قم هستند که بنده می‌توانم روی «تدین» و «تخصص» آن‌ها قسم یاد کنم که قطعاً از بنده بسیار توانا‌تر در به‌کارگیری روش‌های علمی و مسلط به زبان فنی می‌باشند. تا زمانی که چنین فرصت‌هایی فراروی عرصه فن‌آوری اطلاعات وجود دارد، بنده مجاز نیستم چنین پژوهشی را بر عهده گیرم.

آن دوست گفت: تو کار را بر عهده بگیر، من هم کمک می‌کنم. گفتیم: وقتی نتیجه را مفید نمی‌دانیم؟! گفت: وقتی خودشان می‌خواهند چرا که نه؟! گفتیم: برادر! وقتی تکنیک تجربی پوزیتیویستی را نپذیرفته‌ایم و با روش فرانکفورتی‌ها هم مشکل داریم، خودمان هم که روش علمی مورد پسند و مقبولی نداریم، پس به کدام الگو عمل کنیم و چه مدلی، که قابل دفاع نزد متخصصین باشد؟! نظرش این بود که کار را به زبان علمی می‌نویسیم، آن‌طور که می‌خواهند. آخرین کلامم: از خدا می‌ترسم کاری را بر عهده بگیرم که ادعای آخرش «حجیت مذهبی» و «حجیت علمی» باشد و می‌دانم در هیچ‌کدام «حجت» نیست!

اما این به معنای عدم همکاری بنده با مرکز نیست که اگر بتوانم خدمتی انجام دهم، ذره‌ای کوتاهی جایز نمی‌دانم. غرض این‌که نمی‌خواهم از اعتباری که نزد دوستان دارم استفاده نادرست نمایم و کاری را که نباید، بپذیرم. اگر به غیر این قبیل تحقیق‌های علمی کاری باشد در توانم، در خدمت هستم، بی‌هیچ تردیدی.